

کرونا، در آمدها را نصف و هزینه‌ها را دو برابر کرده است

# شغل‌های عاری از بیمه در لابه‌لای بازار



علی خسرو جردی

اگر به بازار بزرگ بازار تهران سری زده باشید، قطعاً چرخ‌دستی‌های کوچک و بزرگی را در گوشه و کنار بازار دیده‌اید. ممکن است باربری را دیده باشید که بار با حجم انبوه را روی چرخ دستی خود گذاشته و این وسیله را به جلو می‌راند. حمل بار در بازار رایج نیست، تنها روش حمل بار در بازار رایج نیست، گاهی مردی خمیده را در بازار دیده‌اید که حجم انبوه و سنگینی از بار را روی دوش خود حمل می‌کند و برای تکه‌ای نان می‌جنگد.

روزی با یانیسی آذر، آخرین ماه از فصل پاییز است. گرچه آسمان گرفته و هوا سرد است ولی جو بازار به شدت گرم است و شور و هیجان مردم برای خرید اجناس مورد نیازشان احساس می‌شود. گویا در بازار از کرونا خبری نیست یا مردم ترسی از این ویروس مرگبار ندارند. بسیاری از مردمی که برای خرید به بازار آمده‌اند ماسک بر صورت دارند، ولی باربران بازار ماسک ندارند.

## در آمد کودکان باربر

### از بزرگان کمترین است

در یک گوشه فسارغ از هیاهوی بازار، پنج کودک و نوجوان روی زمین نشسته‌اند و چرخ‌دستی آنها در کنارشان خودنمایی می‌کند. سفره نان و پنیری مرکز این حلقه دوستانه شده و گروه پنج نفره دور آن نشسته‌اند. این گروه با شادی عجیبی ترانه «ملا محمد جان» را می‌خوانند و دست می‌زنند.

این گروه، بالحنی مظلومانه می‌گویند: «تورو به خدا از ما عکس بگیر. دوربین را درون کیف می‌گذارم و از آنها می‌پرسم که چند سال دارند؟ جوان‌ترین این جمع، کودکی ۱۰ ساله و بزرگ‌ترین آنها نوجوانی ۱۶ ساله است. با هم پسرعمو هستند و حدود ۳ سال است برای کار به ایران مهاجرت کرده‌اند. پس از ورود به ایران، مشغول حمل بار در بازار هستند.

«سعید» نوجوان ۱۶ ساله و بزرگ‌ترین فرد این گروه، صدایی دوربین را درون کیف می‌گذارد. آغاز می‌کند: «بزرگ‌ترین نسبت به بچه‌ها در آمد بیشتری دارند ولی من و پسرعموهایم، روزانه حدود ۶ تا ۸ هزار تومان در آمد داریم. نه تنها ما، بلکه تمام بچه‌های هم سن و سال ما نیز همین درآمد دارند. مردم حاضر هستند پول زیادی برای خرید کردن، خرج کنند ولی برای حمل بار، خیلی کم می‌شوند. برای حمل هر بار حدود ۵ تا ۲۰ هزار تومان دریافت می‌کنیم.»

وی می‌گوید: زمانی که بازار تعطیل شد، زباله گرد شدیم اما موقت بود، فقط برای اینکه گرسنه نمانیم.

این نوجوان از محل سکونت خود و پسرعموهایش می‌گوید: «یک اتاق در محله خاک سفید اجاره کرده‌ایم و با دو نفر دیگر در یک اتاق زندگی می‌کنیم. ماهیانه ۷۰۰ هزار تومان اجاره پرداخت می‌کنیم. یکی از دوستان پدرم اتاق را برای ما اجاره کرد. مادر خانه حمام ندارد. سعید فقط یک خواسته دارد: «مردم با ما مهربان تر باشند.»

## در آمد باربران مشخص نیست

تنها مهاجران نیستند که به شغل باربری در بازار اشتغال دارند. افراد فراوانی در بازار دیدم که لباس قوم خود یعنی کرد زبان‌ها را بر تن داشتند و برای نان تلاش می‌کردند. هر کدام از کرد زبانان بازار، داستان متفاوتی داشتند ولی سرگذشت زندگی «کاک فواد» از دیگران جذاب تر بود.

چهره‌ای آفتاب‌سوخته دارد و دستانش پینه بسته و ۶۰ ساله است. پینه دستانش حاکی از تلاش فراوان او برای تامین معیشت خانواده‌اش است و از سختی راه حکایت دارد. مردی خندان و مهربان است و با حوصله به پرسش‌ها پاسخ می‌دهد. وقتی می‌خندد، جای خالی دندان نیش در دهانش مشخص می‌شود. سال هاست به همراه خانواده ۶ نفره اش به تهران آمده است. اگر چه مدت زمان زیادی از آمدن او به این شهر می‌گذرد ولی باز هم به سختی فارسی صحبت می‌کند.

کاک فواد در برهه باربران بازار می‌گوید: «این روزها یعنی پس از تعطیلی دو هفته‌ای کرونا، بازار کمی رونق گرفته و زندگی در بازار جریان دارد. نمی‌توانم بگویم که هر کدام از ما چقدر در آمد داریم ولی به طور قطع در آمدمان ناچیز است. برخی از باربران حدود ۵۰ و برخی تا ۱۲۰ هزار تومان روزانه کار می‌کنند. مزد در یافتی به زور با زور هم بستگی دارد. جوان ترها نیروی جوانی دارند پس بیشتر کار می‌کنند. نه تنها زور بازو مهم است، بلکه مقدار مسافت طی شده نیز در دستمزد در یافتی ما تاثیر گذار است.»

فواد با خنده گفت: «وقتی می‌خواهیم دستمزد خود را دریافت کنیم، گاهی با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شویم. گاهی برخی مشتری‌ها حاضر نیستند حق ما را پرداخت کنند. من کارگر با صاحب بار برای مبلغی توافق می‌کنم ولی وقتی بار را حمل می‌کنم، مبلغ کمتری پرداخت می‌کند. برخی هم پول خرد جیب‌هایشان را به عنوان دستمزد به ما می‌دهند. البته همه این‌گونه نیستند. برخی بخشیده هستند و انعام خوبی علاوه بر دستمزد به ما می‌دهند.»

فواد سال گذشته نهار و صبحانه را در بازار تهیه می‌کرد و به گفته خودش دو وعده غذایی با کیفیت داشته ولی این روزها تنها یک وعده غذایی در بازار غذا می‌خورد. او می‌گوید: «بدون استثنا صبحانه و نهار را از بازار تهیه می‌کردم و هیچ مشکلی برای تامین آن نداشتم ولی در حال حاضر فقط در بازار نهار می‌خورم و غذای خودم را از خانه می‌آورم.»

او می‌گوید: «سال گذشته، شرایط بهتری داشتم. تابستان ۹۸، ماهی ۴ میلیون در آمد داشتم ولی در حال حاضر ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان در آمد دارم.» او می‌گوید: «به فکر دوران بازنشستگی هم هستم و تا فروردین ماه خودم را بیمه اختیاری کرده بودم اما این روزها در آمد ناچیز است و توانایی پرداخت حق بیمه ۶۰۰ هزار تومانی را ندارم.»

ساله تا پیر مرد ۷۰ ساله در بازار مشغول به کار هستند و برای روزی خود تلاش می‌کنند.

**مامسن ترها هم زندگی و خرج داریم**

پس از راسته طلا فروش‌ها، کمی از شور و هیجان بازار کم می‌شود. باربران زیادی در کنار ایستاده‌اند و ظرف کوچک غذای خود را در دست گرفته‌اند و نهار می‌خورند. برخی هم روی چرخ‌های دستی خوب دراز کشیده‌اند، انگار در برابر سرما مقاوم هستند. سنگینی بار و خواب شیرین باربران بازار است.

پیر مردی، چرخ‌دستی کهنه خودش را با داستانی که ردپای هزاران تجربه و خاطره روی آن جا مانده بود، به جلو می‌راند. کلاه مشکی رنگ کاموایی بر سر دارد و آن را تاروی بره‌هایش پایین کشیده. سرما در جان او نفوذ کرده و کمی می‌لرزد.

پیر مرد باربر ۷۰ ساله دارد و خودش را محمد معرفی می‌کند. سفره دلش را باز می‌کند: «سال‌ها قبل کارگر ساختمانی بودم ولی این روزها برای درآمد خانواده‌ام بار حمل می‌کنم. درآمد من نسبت به جوان‌ترها خیلی کمتر است. این روزها، یک میلیون تا یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان در آمد دارم. اهالی بازار معتقدند من مثل جوان‌ها زور بازو ندارم به همین دلیل بارها حجم کمتری به من می‌دهند. بازاری‌ها و مردم نمی‌دانند وقتی پایه‌سن بگذاریم، خرج و برج خانواده بیشتر می‌شود. دو نوه به نام‌های «آروین» و «تینا» دارم که در خانه من و مادر بزرگشان زندگی می‌کنند. پدر آنها

یعنی پسر ما همسر خود جدا شده و عسویه کار می‌کند.»

محمد درباره مزد دریافتی خود می‌گوید: «نمی‌توانم مبلغ مشخصی بگویم. مسافت، حجم بار و بخشندگی صاحب بار در مزد دریافتی تاثیر دارند. من از ۵ هزار تومان تا ۴۰ هزار تومان برای حمل بار دریافت می‌کنم. گذران زندگی در این روزها سخت است. در آمد ما کمتر از دو میلیون تومان در ماه است ولی خرید ما محتاج روزانه زندگی بیشتر از درآمد ماست. تابستان گذشته دو میلیون تومان در آمد داشتم.»

محمد می‌گوید: «همیشه نهار را از خانه می‌آورم، چه امسال و چه سال‌های گذشته، چون توانایی خرید غذا را رستوران ندارم.»

او می‌گوید: «ما محتاج زندگی خود را در سال گذشته، با مبلغ یک میلیون تومان تهیه می‌کرده‌ایم. این روزها با افزایش قیمت سبدمعیشت خانواده، تامین هزینه‌های زندگی با درآمد یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی میسر نیست. این باربر می‌گوید: «هزینه‌های زندگی به شدت افزایش یافته و حدود دو ماه است که خانه رنگ گوشت را ندیده‌است.»

محمد در زمان تعطیلی دو هفته‌ای بازار، در خیابان دست‌فروشی می‌کرده که در آمد ناچیزی داشته است. او به سادگی می‌گوید: «اگر نیاز نداشتم هرگز باربری نمی‌کردیم.»

## از تامین اجتماعی بی‌مهری می‌بینیم

«حسین» جوانی روزی زده و قدبلند است ولی زیر سنگینی بار، قامت کشیده او کمی خم شده. بار را روی زمین می‌گذارد و نفسی چاق می‌کند. کمر راست می‌کند و در پاسخ به اینکه چرا چرخ دستی ندارد؟ می‌گوید: «حمل بار در چرخه‌های تنگ بازار به وسیله چرخ‌دستی غیرممکنه و ترجیح می‌دهم بار را روی کولم قرار دهم و آن را به مقصد برسانم. وقتی می‌توانم در این شرایط در آمد بیشتری داشته باشم، چرا با چرخ‌بار حمل کنم.»

حسین اهل سیستان است و به دلیل بیکاری به تهران مهاجرت کرده و می‌گوید: «من ۳۰ ساله هنوز نیروی جوانی دارم و تا زمانی که بتوانم از نیروی حسین به همراه دو نفر از دوستانم در محله «سرآسیاب» زندگی می‌کنند. تمامی آنها در بازار، باربر هستند و ماهیانه یک میلیون تومان برای اجاره‌ها پرداخت می‌کنند. می‌گویند این روزها در آمد ما کاهش یافته و روزانه کمتر از ۱۰۰ هزار تومان در آمد داریم. تابستان گذشته شرایط خوبی داشتم. نه تنها در آمد زیاد بود بلکه توانایی پس‌انداز هم داشتم. تابستان ۹۸، در آمد ماهیانه ۳ تا ۴ میلیون تومان بود ولی در این روزها به سختی می‌توانم روزانه را تعیین می‌کنم.»

او می‌گوید: «غذای خودم را از رستوران تهیه می‌کردم ولی با درآمد فعلی خود نمی‌توانم این کار را بکنم. دو نوه به نام‌های «آروین» و «تینا» دارم که در خانه من و مادر بزرگشان زندگی می‌کنند. پدر آنها



## بسیاری از دادزن‌های بازار تحت پوشش تامین اجتماعی نیستند و در این روزها به سختی زندگی خود را اداره می‌کنند. دادزن‌ها بیمه واحدی ندارند و به همین دلیل به عنوان پادو معرفی می‌شوند

من و دوستانم نهار و صبحانه را در هر می‌خوریم تا هزینه کمتری متحمل شویم. در یک سال گذشته، چهار بار هم گوشت خریدیم.»

او در زمان تعطیلی دو هفته‌ای بازار، خانه‌نشین بوده است و از پس‌انداز گذشته‌اش از تراق می‌کرده است.

حسین لبریز از گلیه‌ها و نامهربانی‌هایی است که از تامین اجتماعی دیده است: «بارها برای بیمه تلاش کرده‌ام اما مشمول قانون بیمه باربران نشده‌ام. هر بار که برای بیمه اقدام کرده‌ام با بهانه‌های مختلف از سوی تامین اجتماعی مواجه می‌شوم. بسیاری از باربران بازار تحت پوشش بیمه نیستند.»

## ماداد ز نیم

ساعت ۲ بعد از ظهر، بازار نسبت به قبل از ظهر شلوغ‌تر شده و جمعیت بیشتری در بازار حضور دارند. مردم در تکاپو هستند جنس مورد نظر خود را با قیمت مناسب‌تری تهیه کنند. در این میان، گروهی تلاش می‌کنند توجه مردمی که برای خرید به بازار آمده‌اند را به برخی از مغازها جلب کنند.

«محسن» لباس قرمز بر تن دارد و در میان جمعیت حرکت می‌کند. دست‌هایش را در هوا تکان می‌دهد و با شور و حرارتی وصف‌ناشدنی فریاد می‌زند: «لباس الیاس! خانم‌های محترم بفرمایید بفرمایید... او هم مثل دیگر کارگران بازار سرگذشت عجیبی دارد و مزد بسیار کمی برای کارش دریافت می‌کند.»

دستمزد دادزن‌های بازار ناچیز است و کفاف تامین معیشت زندگی را نمی‌دهد. محسن می‌گوید: «در آمد ما متفاوت است. برخی از مادر یافتی ثابت دارند که این مبلغ حدود یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان است. برخی نیز باتوجه به فعالیت خودشان، مبلغی به عنوان پورسانت فروش دریافت می‌کنند. تصور نکنید این پورسانت خیلی زیاد است. در نهایت این مبلغ ۳۰۰ هزار تومان می‌شود. مبلغ یک دان زن با پورسانت دریافتی کمتر از ۲ میلیون تومان است.»

محسن مشکل جسمانی دارد و توانایی کار سخت را ندارد. می‌گوید: «مجرد هستم و در خانه پدرم زندگی می‌کنم اما دادن زانی را می‌شناسم که با این دستمزد، خانواده ۳ یا ۴ نفره خود را مدیریت می‌کنند.»

او تحت پوشش بیمه است و عنوان شغلی او «پادو» است. او می‌گوید: «بسیاری از دادزن‌های بازار تحت پوشش تامین اجتماعی نیستند و در این روزها به سختی زندگی خود را اداره می‌کنند. ما بیمه واحدی نداریم و به همین دلیل به عنوان پادو معرفی می‌شویم.»

یک روز شغلی در بازار به پایان نزدیک می‌شود. شکی نیست که شایگان در بازار در شرایط بحرانی به سر می‌برند و سطح درآمد آنها نسبت به گذشته، نصف شده و هزینه‌های زندگی نسبت به گذشته، چند برابر شده است. تداوم این اوضاع، باربران، دادزن‌ها و همه کارگران غیررسمی بازار را با دنیایی از بحران مواجه خواهد کرد؛ بحران‌هایی که لاینحل به نظر می‌رسند.

## اخبار کارگری

### احتساب سابقه سر بازی با پرداخت ماهانه ۱۳۴ هزار تومان



بیمه‌شدگان تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی که بر مبنای حداقل حقوق لیست ارسال می‌کنند، می‌توانند با پرداخت ماهانه ۱۳۴ هزار تومان به صورت غیر حضوری دوران خدمت سر بازی را به سوابق بیمه اضافه کنند.

به گزارش روابط عمومی اداره کل غرب تهران بزرگ، «حسین امیری گنجیه» مدیر کل تامین اجتماعی غرب تهران بزرگ گفت: با پرداخت احتساب دوران سر بازی به عنوان سابقه بیمه‌شدگان دیگر نیازی به حضور شخص بیمه‌شده نیست و مخاطبان می‌توانند با بهره‌گیری از طرح ۳۰۷۰ در سراسر ایران و در هر زمان با ورود به سامانه و احتساب دوران سر بازی از طریق تبادل اطلاعات با سازمان نظام وظیفه با داشتن کارت پایان خدمت به صورت غیر حضوری اقدام کنند.

### الحاق به هفت سند سازمان بین المللی کار تصویب شد

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از تصویب لوائح الحاق به هفت سند مصوب سازمان بین‌المللی کار در هیأت دولت خبر داد.

به گزارش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، محمد شریعتمداری با بیان اینکه بنا به پیشنهاد وزارت کار، در سیصد و سی و هشتمین جلسه هیأت دولت، لوائح الحاق به هفت سند مصوب سازمان بین‌المللی کار بررسی و تصویب شد، گفت: این لوائح برای ادامه تشریفات قانونی به مجلس تقدیم می‌شوند.

وی با اشاره به اینکه اصلاحیه ۱۹۸۶ اساسنامه سازمان بین‌المللی کار از جمله این لوائح است، افزود: مقاله نامه مشاوره سه‌جانبه، مقاله نامه بازرسی کار، مقاله نامه ایمنی و بهداشت در معادن، مقاله نامه حداقل سن کار، مقاله نامه آمار‌های کار و مقاله نامه ایمنی و بهداشت شغلی عناوین این لوائح هستند.

### امهال حق بیمه آذر و دی کارگاه‌های آسیب دیده از کرونا



مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی بخشنامه امهال حق بیمه آذر و دی سال جاری سهیم کارفرما برای فعالیت‌ها و کارگاه‌های به شدت آسیب دیده از شیوع بیماری کرونا را ابلاغ کرد. به گزارش خبرگزاری مهر، در بخشنامه مصطفی سالاری آمده است: «پرو بخشنامه قبلی و تصمیمات متخذه در نشست کمیته تخصصی کار گروه مقابله با پیامدهای اقتصادی ناشی از شیوع ویروس کرونا در برهه امهال حق بیمه سهم کارفرمایان فعالیت‌ها و کارگاه‌های متأثر از شیوع ویروس کرونا، فهرست فعالیت‌ها و زیربخش‌های اقتصادی مشمول مصوبه مذکور به شعب تامین اجتماعی اعلام می‌شود.»

### کاهش حوادث کار در خراسان رضوی

مدیر روابط کار اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی خراسان رضوی با بیان اینکه ۴۳۲ حادثه کار طی هشت ماهه اول سال جاری در این استان رخ داده، گفت: این آمار نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۲۴ نفر کاهش یافته است. به گزارش ایلنا، عطا متین‌فر گفت: در هشت ماه گذشته، ۲۶ نفر هم به علت حادثه کاری فوت کرده‌اند که این آمار در مقایسه با مدت مشابه سال قبل از آن افزایش داشته است. وی افزود: آموزش نقش مهمی در کاهش تلفات حوادث دارد که آن هم به دلیل شرایطی که شیوع کرونا ایجاد کرده دچار مشکلاتی است.